



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۲۸ جولای ۲۰۲۰

نجیب سخی

امیر خسرو و موسیقی هند:

در تاریخ فرشته یا گلشن ابراهیمی که بین سالهای (۱۶۰۶ و ۱۶۲۲ م) در منطقه شمال هند و پاکستان امروز تحریر شده است؛ این کتاب در مورد سوانح امیر خسرو چنین مینویسد: « نام اصلی او ابوالحسن است پدرش امیر سیف الدین محمود از امیر زاده های هزاره بلخ است و در حوالی قریش میبود؛ اما در قرب چنگیز خان بهندوستان آمده و در سلک امرا منتظم گردید و امیر خسرو در قصبه مومن آباد، که درین عصر به پتیاله شهرت دارد، تولد یافت .»

امیر خسرو بین سالهای (۱۲۵۳ - ۱۳۲۵ م) میزیسته در همین کتاب ذکر است ، که امیر خسرو تعداد اشعار خود را بیشتر از چهار صد هزار و کمتر از پنجصد هزار میدانند، که مجموعه اینها را نود و دو جلد معرفی میکند . باین اساس قسمت زیادی از نوشته های امیر بدست ما نرسیده است ؛ از اینجاست که فهم امیر خسرو ، مخصوصاً در مورد موسیقی ؛ تنها از طریق یادداشتهای دیگر کتب و آثار بما رسیده است؛ لهذا در مورد وی ، و مسائل موسیقی او همیشه نظرات نامترداف وجود داشته است .

قدر مسلم اینست که قضاوت در مورد اندک نوشتههای امیر خسرو در موسیقی ، که به دست ما رسیده است، بدون شناخت و شناسائی دقیق موسیقی اسلامی و خراسانی ممکن نیست؛ روی همین منظور است، که همیشه افرادی در زمینه اظهار نظر کرده اند که باوضاع و شرائط تاریخی آن عصر؛ و معرفت و دانش خود شخص امیر خسرو آگاهی نداشتند؛ لهذا در خلأ اظهار نظر و بیان عقیده نموده اند .

امیر خسرو در اعجاز خسروی میگوید :

ما توانیم کز ابریشم باریک چوموی - ذیل دو پرده بیگانه بهم بردوزیم

« و صحت و علت مزامیر نیکو دانیم که چون چنگ از سفیدی اندام سرافکنده مانده و نای که

شکمش از نفخ آواز دهد و مسکک که از دمش در نالیدن آید و نوالک که تنگی نفس گلو گیرش کند و کوفتگی دف که از حرارت مدقوق گردد، اصلاح هر یک بچه طریق باید کرد و گرفتن نبض تار رباب و زدن رگ تار بربط چنان بر قانون حکمت دریافته ایم که بیمار را طبیب شفا توانیم شد.» ، و بعد از آن در مورد معرفت دیگران میگوید :

« دقائک این علم باریک که مسلک حکمای روم است، چنان وضع شد که از ورق سپید و جدول رود ابریشم نانابشته بتوان خواند - هندوستانیان کنکره زن چه معلوم کنند که همان عجب رود بر سرود ایشان دندان سفید میکند " دندان سفید میکند یعنی خنده میکند" »

شعر : چو هندو بنوازد عجب رود خویش - بخند عجب رود بردست او

این گفته های امیر خسرو سطح و حدود موسیقی نوازان بومی هند را در آن زمان نشان میدهد ؛ زیرا کنگره آله موسیقی روایتی هند است، که در دو انجام یک بانکس دو کدو وصل است ؛ امیر خسرو آنرا رود میخواند و میگوید؛ رود بر نوازنده خود میخندد ، امیرخسرو ادامه میدهد:

« و از معرفت پرده چنان بیگانه که خاتون ترک از ستر پرده و دهقانان هندو از علم اصول ایشانرا چه علم که اصول چرا منحصر بر چهار است و پرده بر دوازده و ابریشم بر شش و مابقی فروعیست که هم از اینجا شاخ میزند و اصول ثقیل را چه میزان سنجید که خفیف شود و خفیف را بکدام وزن سنگین کنند که ثقیل گردد »

امیر خسرو در تمام این بیانات هیچگونه اشاره به موسیقی هندی یا بمتها ها ، راگ و راگنی و پتھر و بهارجه ندارد ؛ او موسیقی را مانند دیگر علمای تمدن اسلامی کشف حکمای روم میدانند، او از دوازده مقام موسیقی خراسانی یاد میکند، و از شش آواز همین موسیقی اسلامی اشاره دارد :

(دوازده مقام عبارتند از: عشاق، نوا، ابوسلیک، راست، عراق، صفاهان، زیرافکن، بزرگ زنگوله، رهاوی، حسینی و حجاز)

آنگاهنیکه در مورد شش ابریشم صحبت میکند بازهم از موسیقی خراسانی سخن میگوید؛ زیرا آوازهات در موسیقی خراسانی شش هستند، ازین قرار(شهناز، مایه ، سلمک، نوروز، گردانیه و خواست)، وقتیکه میگوید مابقی فروع است، یعنی از ترکیب و پستی ها و بلندی های هر یک ازین مقامها و آوازهات صدها طرز و ترکیب دیگر به دست می آید.

امیرخسرو در مورد اصول صحبت میکند ، یعنی چهار بحر وزنی ، که این چهار عبارتند از : (رجز، خفیف ، خفیف سنگین و ثقیل) این چهار حرکت را موسیقی اسلامی و خراسانی بنام زمانهای (الف ، ب ، ج ، د) نیز یاد کرده اند، که اینها درحقیقت معادل چهار زمان عروضی

شعری یعنی (سبب ثقیل ، سبب ، وتد و فاصله) هستند ؛ از انکسار و انسجام چهار زمان وزنی که امیر خسرو از آنها یاد میکند، بطور نامحدودی زمانهای وزنی دیگر میتوان خلق کرد؛ لهذا وقتیکه میگوید ثقیل را بچه میزان سنجند که خفیف شود) در حقیقت از همین ترکیب بندی وزنی حکایت دارد. تنها در یکی از اشعارش بصورت ضمنی زیادتیر جهت قافیه بندی از تال یاد میکند :

دگر ساز برنجین نام آن تال --- بر انگشت پری رویان قتال

دو روئین تنکه رویا روی در حرب - چو دف در پارسی میزان هر ضرب

در ادامه میگوید: « و مخالف را به چه طریق نوازند که راست آید و زیر بزرگ را چگونه شکنند که خورد گردد (مخالف ، زیر بزرگ و کوچک نام مقام هاست) و زیر خورد را کدام جانب بر کشش دهند که بزرگی کشد ، بوسلیک و نوا که مشابه یکدیگر اند پرده هردو ازچه وجهه بر باید گرفت که یکی را از دیگری بتوان شناخت در رهاوی و حسینی که همسایه اند میان ایشان چه پیدا باید کرد، که از یکدیگر جدا شوند و نهند (نهند یک ترکیب است) ، که بیشتر آهنگ عشاق بدوست از دل چگونه برارند»

در تمام این گفتار حضرت امیر خسرو هیچ نشانه از موسیقی هند و یا شعر ، راگ و تال هندی وجود ندارد. در عوض نفوذ موسیقی خراسانی و پارسی در هند ظاهر میگردد؛ زیرا امیر خسرو، که آخرین بانی و نایب در موسیقی هند شمرده میشود ، او تمام دانش خود را ، باستناد گفته های خودش ؛ از دوازده مقام تمدن اسلامی برداشته است ، این جای شک نیست که این موسیقی در سرزمین هند انکشاف و تحول نموده است ؛ اما این نیز مسلم است که پایه و اساس آن بر مبنای پربنده یا دهر وید گذاشته نشده است ، تنها اصول مقام را با محیط و هندیها آمیزش و اتصال داده است.

آلات موسیقی درحقیقت معرف، ترجمان و بازگو کننده یکر زبان هستند، اگرچه این وضعیت امروز خیلی مغشوش و غیر قابل تشخیص است؛ اما بطور تاریخی همیشه آلات موسیقی مشخص به زبانهای مشخصی مربوط میشدند؛ آله موسیقی هر قدر متکاملتر و حساستر میشد ، از پیشرفت جامعه خود نمایندگی میکرد .

تمام آلات موسیقی که در هند بکار می رود، هیچکدام بومی نبوده و همه از بیرون آمده اند ، که این شهادت بر خصلت شدید ترکیبی بودن موسیقی هند میدهد .

روح و تن

یا

ترانه امیر خسرو

به دعائی جان بگیری — به گناهی جان ببخشی
چه گناهی چه دعائی — نادر دانی تو میدانی
الله دانی تو میدانی — تنها تنها تو در دانی
تو گفتی بروح بی تن — در تن درتن درآه تو درتن
از ترس او نادرتن درتن — در نادر تن نادر درتن
خوانندملانک بحق حق آه درتن — درتن درتن درآه تو درتن
یاالله هو یا لی الله ئی — دانی تودانی درتن درتن
روح در درتن تنها درتن — تا در درتن نا در درتن
راهی امتحانیست میان روح و تن — تن و روح نیست میان روح و تن